

شماره ۱۳۴۹/۸/۸-۲۲۴

روزنامه رسمی شماره ۱۳۴۹/۸/۱۸-۷۵۰۵

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
مبنی بر اینکه شهادت شهود در مورد حذف یکی از
دو نام مذکور در اسناد سجلی قابل ترتیب
اثر می باشد.**

با دقت و تعمق در محتویات دو پرونده که یکی بحکم شماره ۴۱/۳/۲۹-۷۹۵/۴۱ شعبه پنجم و دیگری بحکم شماره ۴۷۱/۴۵ - ۴۵/۹/۲۹ شعبه ششم دادگاه استان مرکز منتهی گردیده چنین علوم می شود که در هر دو دادخواست عنوان تقاضا این بوده است که چون برای مولی علیه درخواست کننده در اسناد سجلی او دو نام ذکر گردیده ولی او به یکی از این دو نام مشهور است و داشتن دونام برای یک شخص مناسب نیست یکی از آن دو حذف شود و برای اثبات اینکه دارنده اسناد سجلی بنام مورد درخواست حذف شهرت ندارد بلکه فقط بنام دیگر مشهور است به شهادت شهودی که از این امر اطلاع دارند تمسک گردیده و مؤدای شهادت شهود مزبور مبنی بر همین اظهار بوده و شعبه پنجم دادگاه استان در حکم خود به استناد ماده ۹۹۹ قانون مدنی مندرجات سند ولادت را با شهادت شهود قابل تغییر ندانسته و بر بطلان دعوی رأی داده ولی شعبه ششم با استناد به گواهی گواهان و اشعار به اینکه مندرجات

اسناد سجلی فقط در مورد تاریخ ولادت رسمی است بدلالیت گواهی گواهان این درخواست را موجه دانسته و بر حذف یکی از دو نام رأی داده است گرچه استدلال شعبه ششم دادگاه استان در این مورد وجهه قانونی ندارد و متعاقب ماده ۹۹۹ قانون مدنی در ماده ۴۷ قانون اصلاح قانون سجل احوال مصوب سال ۱۳۱۹ تمام مندرجات دفاتر و اسناد سجلی که با تشریفات مقرر در آن قانون تنظیم گردیده است از اسناد رسمی شناخته شده ولی نظر به اینکه به حکایت جریان کار معلوم می‌شود که تقاضاکنندگان مندرجات اسناد سجلی را هنگام تنظیم آن صحیح دانسته و دعوی آنان مبنی بر مخدوش بودن آن اسناد نیست بلکه مورد درخواست آنان حذف یکی از دو نام مذکور در اسناد است که آنرا زائد و منافی با شهادت دارنده اسناد مزبور می‌دانند و این ادعا مخالف با مندرجات سند رسمی نیست تا بتوان مورد را مشمول دو ماده ۹۹۹ و ۱۳۰۹ قانون مدنی دانست درخواست مزبور موضوعاً از حدود منع آن دو ماده خارج و شهادت شهود در چنین مواردی قابل ترتیب اثر می‌باشد.

این رأی بموجب ماده ۳ اضافی به قانون آئین دادرسی

کیفری لازم الاتباع است.

شماره ۵۴-۱۳/۱۰/۱۳۵۱

روزنامه رسمی شماره ۸۱۵۷-۲/۱۱/۱۳۵۱

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور

در باره وصیت نامه عادی

نظر باینکه از ماده ۲۹۱ قانون امور حسبی که پذیرفته شدن وصیت نامه عادی رامشروط به تصدیق اشخاص ذینفع در ترکه دانسته لزوم تأیید کلیه ورثه استفاده نمیشود و عدم تصدیق بعضی از وراث مانع نفوذ و اعمال وصیت در سهم وارثی که آنرا قبول کرده اند نمیباشد و ماده ۸۳۲ قانون مدنی نیز موید این معنی است و بر طبق مواد ۱۲۷۵ و ۱۲۷۸ قانون مدنی اقرار هرکس نسبت بخود آن شخص نافذ و مؤثر است و ملزم باقرار خود خواهد بود رای شعبه دهم دیوانعالی کشور که وصیت نامه عادی را در سهم وارثی که آنرا تصدیق کرده اند نافذ صحیحاً صادر شده است.

این رأی بموجب ماده واحد قانون واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۱۳۶۰/۱/۱۵-۵۹/۲۹

روزنامه رسمی شماره ۱۰۵۴۸-۱۳۶۰/۳/۲۷

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور

در باره تقسیم ترکه

نظر به اینکه مقنن بلحاظ حفظ حقوق محجورین و غایب مفقودالایر و رعایت مصلحت آنها طبق قسمت اخیر ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی مقرر داشته است که در تقسیم ترکه اگر بین وراث محجور یا غایب باشد تقسیم به توسط نمایندگان آنها در دادگاه بعمل آید و با توجه به ماده ۳۲۶ همین قانون که بموجب آن مقررات قانون امور حسبی راجع به تقسیم ترکه در مورد تقسیم سایر اموال نیز ساری خواهد بود و نظر به اینکه ماده ۱ قانون افراز و فروش املاک مشاع که قانون عام است و بر طبق آن افراز املاکی که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته است در صلاحیت واحد ثبتی محل شناخته شده علی الاصول ناسخ ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی که قانون خاص است نمیباشد نظر شعبه پنجم دیوانعالی کشور که تقسیم املاک محجورین و غایب مفقودالایر را از صلاحیت واحد ثبتی خارج دانسته و در صلاحیت دادگاه شناخته است صحیح و مطابق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۲ ردیف ۱/۶۰-۱۳۶۰/۱/۲۹

روزنامه رسمی شماره ۱۰۵۶۲-۱۳۶۰/۳/۱۴

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور
در باره جبران ضرر و زیان ناشی از جرم ارتكابی
شخص صغیر

مطابق مواد ۱۲۱۶ و ۱۱۸۳ قانون مدنی در صورتی که صغیر باعث ضرر غیر شود خود ضامن و مسئول جبران خسارت است و ولی او به علت عدم اهلیت صغیر نماینده قانونی وی می باشد بنابراین جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزا به عهده شهس متهم صغیر است و محکوم به مالی از اموال خود او استیفاء خواهد شد. بنا به مراتب مذکور رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور از نظر توجه مسئولیت جبران خسارت ناشی از جرم به شخص صغیر صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

شماره ۲۲ - ۱۳۶۰/۴/۶

روزنامه رسمی شماره ۱۰۷۳۵-۱۲/۱۰/۱۳۶۰

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
در باره دادگاه صالح به تعیین سرپرست برای
کودکان بی سرپرست**

عبارت (نصب قیم) در بند ۳ از ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص ناظر به مواردی است که مطابق قوانین مدنی و امور حسبی دادگاهها موظفند برای صغار نصب قیم نمایند و عبارت مذکور بهیچوجه شامل موضوع سرپرستی مذکور در قانون حمایت کودکان بدون سرپرست مصوب اسفند ماه ۵۳ که از حیث نحوه سرپرستی و شرایط کلی با مفهوم قیمومیت و مختصات آن متفاوت است نمیباشد علیهذا نظر شعبه نهم دیوانعالی کشور که مشعر به صلاحیت دادگاه عمومی است موجه و منطبق با موازین قانونی تشخیص و تأیید میشود.

این رأی مطابق قانون وحدت رویه قضائی مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاجراء است.

شماره ۳۴ - ۱۳۶۰/۸/۳۰

روزنامه رسمی شماره ۱۰۷۳۵-۱۳۶۰/۱۱/۲

رأی هیئت عمومی دیوانعالی کشور

مبنی بر اینکه انفاق زن و فرزندک زندگی مشترک

دارند ترک فعل واحد محسوب می‌گردد

نظر به اینکه نفقه زن و اولاد واجب النفقه که زندگی مشترک دارند معمولاً یک جا و بدون تفکیک سهم هر یک از آنان پرداخته می‌شود ترک انفاق زن و فرزند از ناحیه شوهر در چنین حالت ترک فعل واحد محسوب و مستلزم رعایت ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی است و آثار و نتایج متعدد فعل واحد موجب اعمال مقررات مربوط به تعدد جرم نخواهد بود. بنابراین این رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که بر مبنای این نظر صادر شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی به موجب ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم‌الاتباع است.

شماره ۲۵ - ۱۳۶۱/۱۱/۹

روزنامه رسمی شماره ۱۱۱۰۲-۱۳۶۲/۱/۲۱

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور

در باره صلاحیت دادگاه مدنی خاص

چون بنابه مستنبط از بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی

خاص مصوب مهر ماه ۱۳۵۸ دعاوی راجع به اصل وقفیت در صلاحیت دادگاه مدنی خاص است فلذا در مورد بحث که اصل وقفیت قطعه زمین مورد تقاضای ثبت محل نزاع میباشد دادگاه مدنی خاص صالح به رسیدگی است و رأی شعبه ششم دیوانعالی کشور صحیح و موافق موازین قانونی صادر شده است.

این رأی بر طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوانعالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازمالاتباع است.

شماره ۲-۱۳۶۲/۱/۲۲

روزنامه رسمی شماره ۱۱۱۴۰-۱۳۶۲/۳/۵

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
مبنی بر صلاحیت محاکم عمومی دادگستری در
رسیدگی به دعاوی تغییر نام اشخاص**

نظر به اینکه تبصره ۴ ماده ۳ قانون ثبت احوال مصوب تیرماه ۱۳۵۵ ناظر به اعطاء اختیار به هیئت حل اختلاف برای تغییر نامهای ممنوع میباشد و رسیدگی به سایر دعاوی مربوط به نام اشخاص در صلاحیت عام محاکم عمومی دادگستری است فلذا دادنامه صادره از شعبه سوم دیوانعالی کشور که بر همین اساس صدور یافته صحیح و موافق موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانونی مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها لازم‌الاتباع است.

شماره ۱-۱۳۶۳/۱/۲۹

روزنامه رسمی شماره ۱۱۴۴۵-۱۳۶۳/۳/۲۴

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
در باره سبب سقوط ولایت پدر نسبت به دختر در
امر ازدواج

با توجه به نظر اکثر فقها و بویژه نظر مبارک حضرت امام مدظله‌العالی در حاشیه عروة الوثقی و نظر حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری که در پرونده منعکس است و همچنین با عنایت بملاک صدر ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی عقد دوم از نظر این هیئت صحیح و ولایت پدر نسبت به چنین عقدی ساقط است و مشروعیت دخول قبل از عقد شرط صحت عقد و با شرط سقوط ولایت پدر نیست و دخول مطلقاً (مشروع باشد یا غیر مشروع) سبب سقوط ولایت پدر میباشد بنابراین رأی شعبه نهم مدنی خاص موضوع دادنامه شماره ۲۷۹/۹-۵۹/۱۱/۲۸ دایر بر صحت عقد دوم طبق موازین شرعی و قانونی صادر شده و صحیح است و این رأی برای محاکم در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

شماره ۲۱-۳۰/۷/۱۳۶۳

روزنامه رسمی شماره

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
در باره صلاحیت دادگاه صالح محلی که فاقد دادگاه
مدنی خاص باشد

با توجه به ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی مدنی که مقرر می‌دارد دعاوی راجع به دادگاه‌هائی که رسیدگی نخستین مینماید باید در همان دادگاهی اقامه شود که مدعی علیه در حوزه آن اقامت دارد و نظر بصراحت ماده ۴ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص که رسیدگی دادگاههای عمومی دادگستری را در محل هائی که دادگاه مدنی خاص تشکیل نشده یا پس از تشکیل منحل شده در امور مربوط به صلاحیت دادگاه اخیرالذکر به استثنای دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق تجویز کرده و نیز با توجه به ماده ۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی که دادگاه صلح را در عداد دادگاههای عمومی قلمداد نموده است رسیدگی به موضوع که درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش به منظور اجرای صیغه طلاق میباشد در صلاحیت دادگاه صلح خاش محل اقامت خوانده بوده و بالتیجه رأی شعبه ۱۳ دیوانعالی کشور موافق قانون صادر گردیده است این رأی بر طبق ماده واحده مصوب هفتم تیر ۱۳۲۸ برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

شماره ۳۱-۱۳۶۳/۹/۵

روزنامه رسمی شماره ۱۱۶۲۸-۱۱/۴-۱۳۶۳

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
**مبنی بر صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول
 در رسیدگی به دعاوی راجع به اموال مزبور**

نظر به اینکه صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول موضوع ماده ۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی (در دعاوی راجعه بغیر منقول اعم از دعوی مالکیت و سایر حقوق راجعه به آن) حتی در صورت مقیم نبودن مدعی و مدعی علیه در حوزه محل وقوع مال غیر منقول استثنائی بر اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده موضوع ماده ۲۱ قانون فوق الاشعار میباشد و با عنایت به اینکه با تعاریفی که از اموال غیر منقول و اموال منقوله در مواد ۱۲ الی ۲۲ قانون مدنی بعمل آمده از ماده ۲۰ آن چنین استنباط میشود که قانونگذار بین دعوی مطالبه وجوه مربوط بغیر منقول ناشی از عقود قراردادهای و دعوی مطالبه وجوه مربوط به غیر منقول و نیز اجرت المثل آن در غیر مورد عقود و قراردادهای قائل به تفصیل شده و دعاوی قسم اول را منظوقاً از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول و دعاوی قسم دوم را مفهوماً از دعاوی راجعه به غیر منقول دانسته است که نتیجتاً دعاوی اخیرالذکر تحت شمول حکم ماده ۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی قرار میگیرد بنا بمراتب در اختلاف نظر حاصله

بین شعب ۳ و ۲۱ دیوانعالی کشور از یکطرف و ۱۳ و ۲۲ دیوانعالی کشور از طرف دیگر احکام دیگر صادره از شعب ۱۳ و ۲۲ که در مسیر استنباط مذکور قرار دارد مورد تأیید می‌باشد این رأی بر طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوانعالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۱۳۶۳/۹/۱۹-۳۷

روزنامه رسمی شماره ۱۱۶۳۷-۱۱/۱۵-۱۳۶۳

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
درباره رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در
محاکم**

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه بموجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردیکه مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاهها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیتنامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و

عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازمالاتباع است.

شماره ۳۰-۳/۱۰/۱۳۶۴

روزنامه رسمی شماره ۱۱۹۳۶-۱۱/۲۷-۱۳۶۴

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور

درباره نصب قیم

ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی اصلاحی هشتم دیماه ۱۳۶۱ که علی القاعده رسیدن صغار به سن بلوغ را دلیل رشد قرار داده و خلاف آنرا محتاج به اثبات دانسته ناظر به دخالت آنان در هر نوع امور مربوط بخود میباشد مگر در مورد امور مالی که بحکم تبصره ۲ ماده مرقوم مستلزم اثبات رشد است بعبارة اخری صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ و اثبات رشد میتواند نسبت به اموالی که از طریق انتقالات عهده یا قهری قبل از بلوغ مالک شده مستقلاً تصرف و مداخله نماید و قبل از اثبات رشد از این نوع مداخله ممنوع است و بر این اساس نصب قیم بمنظور اداره امور مالی استیفاء حقوق ناشی از آن برای افراد فاقد ولی

خاص پس از رسیدن به سن بلوغ و قبل از اثبات رشد هم ضروری است بنابراین رأی دادگاه عمومی حقوقی فسا قائم مقام دادگاه مدنی خاص در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص میشود، این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده بقانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازمالاتباع است.

شماره ۳۴-۱۱/۹/۱۳۶۵

روزنامه رسمی شماره ۱۲۲۰۳-۲۸/۱۰/۱۳۶۵

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور

درباره وجوه مربوط به اعلامیه‌های ازدواج و طلاق

تبصره ۷۶ قانون بودجه سال ۱۳۶۳ کل کشور مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۳۰ که از اول سال ۱۳۶۳ قابل اجرا بوده وصول به اعلامیه‌های ازدواج و طلاق موضوع ردیفهای ۶ و ۷ تبصره مذکور را به سازمان ثبت احوال کشور محول نموده است و سردفتران ازدواج و طلاق قبل از ابلاغ بخشنامه شماره ۱۳۶۳/۱/۱۵-۲۸۰/۵/۳۳۶ وزارت کشور ارسالی از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک تکلیفی در وصول وجوه مزبور و واریز بحساب درآمد عمومی نداشته‌اند تا از این جهت مسئول پرداخت آن به ثبت احوال باشند فلذا آراء دادگاههای عمومی حقوقی فسا و نقده و سمنان در حدی که با این نظر مطابقت دارد

صحیح تشخیص میشود.

این رأی بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۵۰۳-۱۰/۲/۱۳۶۶

روزنامه رسمی شماره ۱۲۳۵۴-۶/۵/۱۳۶۶

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
مبنی بر صلاحیت دادگاه حقوقی در رسیدگی به
دعوی راجع به جهیزیه**

صلاحیت دادگاه مدنی خاص برای رسیدگی به دعاوی زناشویی و اختلافات خانوادگی در بند ۱ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب تصریح شده و دعوی راجع به جهیزیه از شمول این دعاوی خارج و در صلاحیت دادگاههای حقوقی است مگر اینکه طرفین دعوی بر طبق بند ۴ ماده مرقوم به رسیدگی دادگاه مدنی خاص تراضی نمایند بنابر این آراء شعب سوم و سیزدهم دیوانعالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود، این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاهها و شعب دیوانعالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۵۰۴-۱۳۶۶/۲/۱۰

روزنامه رسمی شماره ۱۲۳۴۴-۱۳۶۶/۴/۲۵

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
مبنی بر صلاحیت محاکم عمومی دادگستری در
رسیدگی به درخواست نام صاحب سند سجلی از
حدیث جنس**

درخواست تغییر نام صاحب سند سجلی از حیث جنس (ذکور به اناث یا بالعکس) از مسائلی است که واجد آثار حقوقی می باشد و از شمول بند ۴ ماده ۳ قانون ثبت احوال خارج و رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم عمومی دادگستری است بنابراین رأی شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور که نتیجتاً براساس این نظر صادر شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است، این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاهها و شعب دیوانعالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۵۱۲-۱۳۶۷/۸/۲

روزنامه رسمی شماره ۱۲۷۵۸-۱۳۶۷/۹/۲۲

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
درباره دعوی راجع به ابطال واقعه فوت**

دعوی راجع به ابطال واقعه فوت یا رفع این واقعه از اسناد ثبت احوال علاوه بر اینکه متضمن آثار حقوقی می باشد از

شمول ماده ۳ قانون ثبت احوال مصوب تیرماه ۱۳۵۵ خارج و رسیدگی به دعوی مزبور در صلاحیت دادگاههای عمومی دادگستری است لذا رأی شعبه ، ششم دیوانعالی کشور مبنی بر صلاحیت محاکم عمومی دادگستری صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاهها و شعب دیوانعالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۱۳۶۷/۸/۲-۵۱۳

روزنامه رسمی شماره ۱۲۷۵۸-۱۳۶۷/۹/۲۲

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
درباره صلاحیت دادگاه مدنی خاص در رسیدگی به
ادعای وجود رابطه مادر و فرزندی**

ادعای وجود رابطه مادر و فرزندی از جمله دعاوی راجع به نسبت می باشد که بر طبق بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب باید در دادگاه مدنی خاص رسیدگی شود لذا رأی شعبه سیزدهم دیوانعالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاهها و شعب دادگاههای کشور در موارد

مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۵۱۸-۱۸/۱۱/۱۳۶۷

روزنامه رسمی شماره ۱۲۸۵۶-۱/۲۹-۱۳۶۸

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور

درباره دادخواست اصلاح تاریخ تولد

سمت ولایت قهری پدر نسبت به فرزند در ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی تصریح شده که تا رسیدن به سن بلوغ ادامه می یابد سند سجلی هم در اثبات بلوغ طریقت دارد لذا چنانچه سند سجلی حکایت از بلوغ داشته اما ولی قهری مدعی نرسیدن فرزند خود بسن بلوغ باشد و اصلاح تاریخ تولد او را بخواهد قبول دادخواست ولی قهری و رسیدگی به دعوی منعی ندارد بنابراین رأی شعبه پانزدهم دیوانعالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۵۲۶ - ۱۳۶۸/۲/۱۹

روزنامه رسمی شماره ۱۲۹۰۲ - ۱۳۶۸/۳/۳۰

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
درباره بلامجوز بودن اعمال مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر
قانون اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری با
لازم الاجراء شدن قانون تعیین موارد تجدیدنظر
احکام دادگاهها**

نظر به ماده ۴ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی اتخاذ شده باشد و نظر به اینکه در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی به آنها مصوب مهرماه ۱۳۶۷ مقررات خاصی برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر محکوم علیه نسبت به احکام سابق دادگاههای کیفری قیدنشده و بر طبق بند ب از مواد الحاقی به قانون آئین دادرسی مصوب آذر ماه ۱۳۴۹ آراء دادگاهها از حیث قابلیت اعتراض و پژوهش و فرجام تابع قانون مجری در زمان صدور آن می‌باشد لذا محکوم علیه حکم کیفری که قبل از لازم الاجراء شدن قانون موارد تجدید نظر احکام دادگاهها (۶۷/۹/۴) صادر گردیده نمی‌تواند رأساً به استناد قانون مزبور درخواست تجدید نظر نماید.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد الحاقی به قانون آئین دادرسی

کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

شماره ۱۳۶۸/۶/۱۴-۵۲۷

روزنامه رسمی شماره ۱۲۹۹۵-۱۳۶۸/۷/۲۰

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
درباره مهلت تجدید نظر خواهی از احکام دادگاه
مدنی خاص**

قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی به آنها مصوب ۱۳۶۷ ظهور بر این امر دارد که قانونگذار در مقام تعیین مراجع تجدید نظر و متقاضیان تجدید نظر و موارد نقض احکام دادگاهها در مراجع تجدید نظر بوده و بموعده و مهلت تجدیدنظر خواهی نظری نداشته است بنابر این ماده ۱۴ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ که مهلت تجدیدنظر خواهی را ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم معین نموده بقوت و اعتبار خود باقی است و رأی شعبه ۲۹ دیوانعالی کشور نتیجتاً صحیح تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

شماره ۵۳۲-۱۳۶۸/۱۲/۲۱

روزنامه رسمی شماره ۱۳۱۵۱-۱۳۶۹/۲/۹

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
درباره صلاحیت دادگاه حقوقی یک در رسیدگی به
امور غایب مفقود الاثر و تعیین امین**

تعیین امین برای اداره اموال غایب مفقود الاثر موضع ماده ۱۰۱۲ قانون مدنی و مادتين ۱۲۶ و ۱۳۰ قانون امور حسبی غیر از ضم امین می باشد که در بند ۳ مناده لایحه و قانونی دادگاه مدنی خاص قید شده و صلاحیت دادگاههای حقوقی ۱ در رسیدگی به امور غایب مفقود الاثر بالملازمه شامل تعیین امین برای اداره اموال غایب نیز می شود بنا بر این رأی شعبه ۲۵ دیوانعالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

روزنامه رسمی شماره ۱۳۳۷۹-۱۴/۱۱/۱۳۶۹

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور
مبنی بر صلاحیت دادگاه حقوقی در رسیدگی به
درخواست اخراج ثلث از ماترک متوفی**

بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ ناظر به موردی است که دعوی و اختلاف راجع به اصل ثلث باشد. خارج کردن ثلث مورد وصیت از ماترک که باید بر وفق مقررات قانون امور حسبی انجام شود از امور راجع به تصفیه و تقسیم ماترک می باشد و از شمول ماده مرقوم خارج و رسیدگی آن بر طبق بند ۱ ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۴ در صلاحیت دادگاههای حقوقی است بنابر این رأی شعبه ۲۳ دیوانعالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۵۵۹-۱۳۷۰/۳/۲۱

روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۱۲-۱۳۷۰/۵/۱۲

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور

درباره صلاحیت دادگاه مدنی خاص (۱)

بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب مهر ماه ۱۳۵۸ رسیدگی بدعوی راجع به وصیت را علی الاطلاق در صلاحیت دادگاه مدنی خاص قرار داده که شامل دعوی عدم نفوذ وصیت به زیاده بر ثلث موضوع ماده ۸۴۲ قانون مدنی نیز می شود و رسمی یا غیر رسمی بودن وصیتنامه تأثیری در صلاحیت دادگاه ندارد. بنابر این رأی شعبه ۲۵ دیوانعالی کشور صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوانعالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

۱- این رأی بر اساس اصلاحیه مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۴۰
 ۱۳۷۱/۱۰/۱۱ تغییر شکلی پیدا کرد لکن بعداً طبق مفاد روزنامه رسمی
 شماره ۱۳۷۳۷ - ۱۳۷۱/۲/۲۱ ، اصلاحیه مذکور کان لم تلقی گردید.

شماره ۵۶۰-۱۳۷۰/۳/۲۱

روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۱۲-۱۳۷۰/۵/۱۲

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور

درباره صلاحیت دادگاه مدنی خاص

دعوی الزام به تنظیم سند رسمی نکاحنامه و ثبت واقعه ازدواج در دفاتر رسمی از متفرعات دعوی راجع به نکاح می باشد و رسیدگی آن بر طبق بند ۱^(۱) ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوی مهرماه ۱۳۵۸ در صلاحیت دادگاه مدنی خاص است. بنابر این رأی شعبه دهم دیوانعالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعبت دیوانعالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۵۷۴-۱۳۷۱/۲/۱۵

روزنامه رسمی شماره ۱۳۷۷۱-۱۳۷۱/۴/۳

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور

درباره صلاحیت دادگاه مدنی خاص

بند یک ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب اول مهرماه ۱۳۵۸ رسیدگی بدعوی راجع به مهر را در صلاحیت

دادگاه مدنی قرار داده که علی الاطلاق شامل هر نوع دعوی راجع به مهر و از آن جمله دعوی مطالبه مهر نیز می شود بنابر این رأی شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می گردد.

این رأی بر طبق ماده ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

شماره ۵۷۹-۱۳۷۱/۷/۲۸

روزنامه رسمی شماره ۱۳۹۰۸-۱۳۷۱/۹/۱۲

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور

درباره مالی بودن دعوای مالکیت نسبت به اموال متوفی و اختلاف در مالکیت مورث

بند یک ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک دو مصوب سوم آذر ماه ۱۳۵۴ راجع به تقسیم ترکه ناظر به موردی است که اموال مورد درخواست تقسیم متعلق به مورث اعلام و تقسیم آن به قدرالسهم ورثه تقاضا شود. لیکن اگر راجع به این اموال ادعای مالکیت مطرح گردد و در مالکیت مورث حین القوت و اختلاف شود دعوی مالکیت بر طبق بند ۳ ماده مرقوم از دعاوی مالی محسوب و صلاحیت دادگاه تابع بهای خواسته و نصاب قانونی دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ خواهد بود.

بنابر این رأی شعبه اول دادگاه حقوقی یک ساری که رسیدگی به درخواست تقسیم ترکه و دعوی مالکیت راجع به آن را بر مبنای بهای خواسته در صلاحیت دادگاههای حقوقی یک تشخیص نموده صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی

در خصوص مهریه

ماده واحده - یک تبصره به شرح ذیل به ماده ۱۰۸۲ قانون

مدنی الحاق می‌گردد:

تبصره: چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین عقد به نحو دیگر تراضی کرده باشند.

آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و نهم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۸

به تأیید شورای نگهبان رسیده است. (۱)

تصویب نامه هیأت وزیران

بسمه تعالی

شماره: ۱۰۱۷۳۷/ت/۱۹۰۰۸ هـ.

تاریخ: ۱۳۷۷/۲/۱۵

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۲/۱۳ بنا به پیشنهاد شماره ۲۵۴۶/هـ مورخ ۱۳۷۶/۹/۱۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به استناد قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی - مصوب ۱۳۷۶ - آیین نامه اجرایی قانون یاد شده را به شرح زیر تصویب نمود:

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی

ماده ۱- چنانچه مهریه وجه رایج باشد مرجع صالح بنا به درخواست هریک از زوجین میزان آن را با توجه به تغییر شاخص قیمت سال زمان تأدیه نسبت به سال وقوع عقد محاسبه و تعیین می نمایند.

تبصره - در صورتی که زوجین در حین اجرای عقد در خصوص محاسبه و پرداخت مهریه وجه رایج به نحو دیگری تراضی کرده باشند مطابق میل تراضی ایشان عمل خواهد شد.

ماده ۲- نحوه محاسبه مهریه وجه رایج بدین صورت است:

متوسط شاخص بها در سال قبل، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد، ضربدر مهریه مندرج در عقدنامه.
 ماده ۳- در مواردی که مهریه زوجه باید از ترکه زوج متوفی پرداخت شود تاریخ فوت مبنای محاسبه مهریه خواهد بود.
 ماده ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام موارد زیر می باشد:

الف - شاخصهای بهای سالهای قبل از اجرای این قانون را تهیه و در اختیار قوه قضاییه قرار دهد.
 ب - شاخص بهای مربوط به هر سال را به طور سالیانه حداکثر تا پایان خرداد ماه تهیه و به قوه قضاییه اعلام نماید.
 ماده ۵- دادگاهها و ادارات ثبت اسناد و املاک موظفند در محاسبه میزان مهریه وجه رایج مطابق ماده (۲) و در تعیین تغییر شاخص قیمت مهریه براساس شاخصهای مقرر در ماده (۴) این آیین نامه اقدام نمایند.

ماده ۶- در صورتی که زوجه برای وصول مهریه به دادگاه صالح دادخواست تقدیم نماید هزینه دادرسی به میزان بهای خواسته براساس مهرالمسمی با زوجه است و در صورت صدور حکم به نفع وی، زوج علاوه بر پرداخت مهریه طبق ضوابط این آیین نامه مسؤول پرداخت هزینه دادرسی به مقدار مهرالمسمی و ابطال تمبر به میزان مابه التفاوت خواهد بود.
 ماده ۷- در صورتی که زوج تقاضای صدور اجازه طلاق نماید دادگاه مکلف به تعیین تکلیف مهریه براساس این آیین نامه و برطبق ضوابط و مقررات جاری خواهد بود.

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی
در مناطق شهری (۱۰۰=۱۳۶۹)

مأخذ: بانک مرکزی ایران

شاخص کل	عنوان
<u>۱۰۰/۰۰</u>	<u>ضریب اهمیت</u>
۴/۴	۱۳۳۸
۴/۷	۱۳۳۹
۴/۸	۱۳۴۰
۴/۸	۱۳۴۱
۴/۹	۱۳۴۲
۵/۱	۱۳۴۳
۵/۱	۱۳۴۴
۵/۱	۱۳۴۵
۵/۲	۱۳۴۶
۵/۳	۱۳۴۷
۵/۵	۱۳۴۸
۵/۵	۱۳۴۹
۵/۸	۱۳۵۰
۶/۲	۱۳۵۱
۶/۹	۱۳۵۲
۸/۰	۱۳۵۳
۸/۸	۱۳۵۴
۱۰/۲	۱۳۵۵

۱۲/۸	۱۳۵۶
۱۳/۹	۱۳۵۷
۱۵/۶	۱۳۵۸
۱۹/۳	۱۳۵۹
۲۳/۷	۱۳۶۰
۲۸/۳	۱۳۶۱
۳۲/۵	۱۳۶۲
۳۵/۹	۱۳۶۳
۳۸/۴	۱۳۶۴
۴۷/۵	۱۳۶۵
۶۰/۶	۱۳۶۶
۷۸/۲	۱۳۶۷
۹۱/۸	۱۳۶۸
۱۰۰/۰	۱۳۶۹
۱۲۰/۷	۱۳۷۰
۱۵۰/۱	۱۳۷۱
۱۸۴/۴	۱۳۷۲
۲۴۹/۳	۱۳۷۳
۳۷۲/۴	۱۳۷۴
۴۵۸/۸	۱۳۷۵
۵۳۸/۲	۱۳۷۶

روش محاسبه مهریه نقدی به نرخ روز

مثال: چنانچه مهریه خانمی در سال ۱۳۵۴ معادل یک میلیون ریال باشد و در سال ۱۳۷۷ حکم طلاق نامبرده از طرف دادگاه صالحه جاری شده باشد مهریه مشارالیها به روش ذیل